

شرق

اردیبهشت ۱۳۱۰

ذیحجه ۱۳۴۹

گویندگان قدیم

ابو العلاء ششتری

۳۸۷

یکی از شعراء دوره سامانیان که ظاهراً شاعری فحل و معروف بوده و در تذکره‌ها ذکری از او نیست ابو العلاء ششتریست که فقط اسمی و هفت بیت شعر از او مانده است و ذکر جامعی از احوال او در جایی نتوان یافت ولی از قراین پیداست که در زمان خود و حتی تا مدتها بعد از مرگ بسیار معروف بوده است و ازین هفت بیت که از اشعار وی مانده پیداست که شاعری مقتدر بوده است و شعر رشیق و مصنوع می سروده و جای آن دارد که وی را از کبار شعرای قرن چهارم و دوره آل سامان بشماریم. عصر زندگی وی را در هاچ کتابی تصریح نکرده‌اند فقط منوچهری دامغانی شاعر شهیر قرن پنجم که تقریباً يك قرن بعد از او آمده است در قصیده‌ای بدین مطلع :

گاه نوبه کردن آمد از مدایح وز هجی

کز هجی بینم زبان و از مدایح سودنی

که از ناروائی بازار شعر در زمان خویش با دریغ و اسف یاد می‌کنند و از نبودن شعرای بزرگ‌پیش از خود سخن میراند می‌گوید :

بوالعلا و بوالعباس و بوسلیک و بوالمثل

آنکه آمد از نوایح و آنکه آمد ازهری

از حکیمان خراسان کو شهید و رود کی

بوشکور بلخی و بوالفتح بستی هکذی

و چون نام او را قرین با ابوالعباس ربنجنی بخارائی و ابو سلیک گرگانی و ابو المثل بخارائی و ابو عبدالله محمد بن صالح نوایحی مروزی و ابو شعیب صالح بن محمد هروی و شهید بلخی و رودکی سمرقندی و ابو شکور بلخی و ابو الفتح بستی که همه شعرای آن زمان و از گویندگان دورهٔ سامانی بوده‌اند برده است بهترین دلیلست که وی نیز در همان زمان و در همان سلك می‌زیسته و دیگر در عصر زندگی او تردیدی نمی‌گذارد. اما مقام او در شاعری از فضایل وی همین بس که نخست اسدی طوسی در فرهنگ خود چهار بیت شعر او را بشاهد لغات آورده است و این نیز دلیلست که وی از شعرای قرن چهارم و از پیشینیان اسدی بوده است که خود در نیمهٔ اول قرن پنجم زندگی می‌کرده و پس از آن رشیدالدین وطواط نیز سه بیت شعر او را در کتاب «حدائق السحر» (۱) شاهد صنایع بدیع آورده است.

اما از اشعار او آنچه مانده نخست این دو بیست که اسدی در فرهنگ خود بشاهد لغت «غژب» ثبت کرده (۲) و می‌نویسد :

۱ - حدائق السحر - چاپ آقای اقبال - کتابخانه کاره - طهران - صحایف ۷۰ و ۶۱

۱ - فرهنگ اسدی - چاپ هنر - ص ۸

«غُثب دانهٔ انگور باشد . ابوالعلائی ششتری گوید .

مئی که اوت گواهی دهد . . . که منم

بگونه و گهر اندر چهار جای تمام

عقیقم اندر غُثب وز مردم درتاك

سهیلم اندر خم آفتابم اندر جام

و در اصل نسخه از مصرع اول کلمه‌ای مانند «همی» و غیره

افتاده است ولی در نسخهٔ اصل فرهنگ اسدی که نسخه‌تی از آن

نزد نویسنده موجود است و بسال ۸۷۷ نسخه برداشته اند (۱) در

همین مورد مسطورست :

«غُثب دانهٔ انگور بود - جنانك ابوالعلاء شوشتری گوید .

بیآور آنکه گواهی دهد ز جام که من

چهار گوهرم اندر چهار جای مدام

ز مرد اندر تا کم عقیقم اندر دُثب

سهیلم اندر خم آفتابم اندر جام

و البته کسانی که بشعر فارسی عادت دارند این نسخه را بر

نسخهٔ اول ترجیح می‌نهند . در همین نسخهٔ خطی از فرهنگ اسدی

دو بیت دیگر از اشعار ابوالعلاء ششتری هست که در نسخهٔ خطی

نیست و آن دو بیتتست بشاهد لغت «انجیره» بمعنی ثقبهٔ شرح که

چون در مصرع اول آن کلمه‌ای بود مخالف با شئون این صحایف

حذف کرده شد .

ای ... من‌ای ... توانجیره گذاری سرگین خوری و قی کنی و باک نداری

ریچاله (۲) گری پیش گرفتنی توهمانا بر خیره (۳) در شیربری کامه (۴) بر آری

۱ - رجوع شود بکتاب و احوال و اشعار ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی

سمرقندی ، تألیف نویسندهٔ این سطور - مجلد اول - ص ۱۴ - ۲۱

۲ - ریچاله مرابای دوشابی باشد

۳ - در اصل د بخیره .

۴ - کامه قسمی از نان خورش باشد .

ازینجا پیداست که ابوالعلاء ششتري هم چنانکه شاعری نیکو سخن و دارای مضامین بدیع و کلام رشیق در تشبیهات و خمریات بوده است درهزل نیزدستی داشته ودرین سبک نیز مبتکرات گذاشته است و ازین حیث شعرای دیگر اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم که هزال بوده اند مانند طیان کرمانی معروف بطیان ژاژ خای که هزلیات بسیار دارد ودرین فن از شعر معروف ترین سرایندهگان قدیم ایران بوده است و کسائی مروزی و منجیک ترمذی که ازیشان نیز بعضی ابیات هزل آمیز مانده است پیروان و اخلاف وی بوده اند و ابوالعلاء ششتري تا جائی که بما خبر رسیده است شاید نخستین شاعر هزال باشد .
اما ابیات دیگر او که در حدائق السحر مانده نخست این بیتست که یکی از ابیات لطیف شعرای قرن چهارم توان شمرد .

همی گریست (۱) و همی نرگسانش لاله گداخت

ببرك لاله بگداخته نهفته زریں
و پس از آن این دو بیت دیگر که معمائی با اسم «علی» است
تیری و کمانی و یکی نقش نشانه بنگار و بیوند بسو فاریکی تیر
نام بت من باز شناسی تمامی آن بت که بخوبیش قرین نیست بکشمیر
و تا جائی که نویسنده این سطور اطلاع دارد این ابیات
قدیم ترین معمائیست که در شعر پارسی داریم و از همین جای پیداست
که ابوالعلاء ششتري که نام او را رشید الدین و طواط در هر دو
موضع از حدائق السحر (بلعلاء شوشتری) با ملای زبان فارسی
در آن زمان نوشته است گذشته از آنکه شاعر قادر و خوش کلام
و شیرین زبان بوده است در صناعت شعر نیز دست داشته و کلام
مصنوع را هم نیکو می سروده است و اگر اشعار دیگر از او فراهم گردد
زبان فارسی را غنیمتی خواهد بود .